

خارهای راه رشد ترکیه

منچستر گاردین هفتگی: شماره‌های ۳۰ دسامبر ۱۹۵۴ و ۶ ژانویه ۱۹۵۵

نفوذ و اثرات انقلاب آتاتورک هنوز در ترکیه تسلط دارد و مردم را بجنب و جوش تشجیع میکند. « این مرد محض سابق اروپا » که نزدیک به سی سال پیش از نو جان گرفت هنوز منزلهای دور و دراز در پیش دارد تا بمقام و منزلت ممالک اروپای غربی برسد. مردم ترکیه بجد معتقدند که حصول این آرزو میسر است.

شاید بزرگترین خه‌ر کشور در این باشد که برای رسیدن بمقصد پر عجله بخرج رفته است. ترکیه از جنگ عمومی اول زار و نزار درآمد. برخلاف آلمان که در آغاز جنگ عمومی دوم بمتنه‌ای درجه عظمت و قدرت رسیده بود و در ۱۹۴۵ از هم پاشیده شده ترکیه قریب دو بیست سال باحتضار و ناتوانی میزیست.

انتعاش مذت میگیرد. ترکیه اساسی که بتواند بر آن بنائی بسازد ندارد. قبول دارم که مواد خام فراوان دارد اما هنوز پُر خام است. با اوضاع و احوالی که مشاهده میشود ترکیه جدید پیشرفت عجیب کرده است. آیا این پیشرفت پایدار و دنباله دار است؟ اگر قول مسافری دوازده روزه پذیرفتنی باشد میگویم آری، میتواند، اما از جنبه سیاست اقتصادی بنظر من ترکیه دووه پهرانی طی می کند. در ماه‌های آینده معلوم خواهد شد که او لا روش سیاسی روبا آزادی و حکومت مردم بر مردم میروید یا بهمان درجه تخدومی و خادمی و خداوندی و بندگی متوقف میگردد. ثانیاً امور اقتصادیش پیشرفت می کند یا بجرم اینکه در این راه شلنگ اندازی کرده و کلامی پر کشاد بر سر نهاده و دست باج‌رای بر نامه‌های وسیع زده، کمرش زیر بار سنگین خم میشود. جواب این دوسؤال فعلاً مشکوک است. بفرض اینکه کسانی معتقد باشند که بهترین شیوه حکومت برای ترکیه شیوه دموکراسی انگلیس است، انتظاری بسی بیجاست که ترکیه‌ای که قرن‌ها با سلوب ارباب و رعیتی و تاهی و متبوعی اداره همیشه ناگهان از این رسم دست بردارد و کشور را بسبک حکومت انگلیس که بگذشت روزگار فراوان بدین مقام رسیده اداره کند یعنی طفل یکشنبه در امر سیاست ره صدساله برود. طی مراحل و منازل باید « یواش یواش » انجام گیرد. از زمانی که برای نخستین بار در تاریخ ترکیه انتخابات آزاد صورت گرفت و حزب خلق زیر آمد و حزب دموکرات رو هنوز پنج سال تمام بر نیامده است. در انتخابات ماه گذشته عدنان مندرس، رهبر حزب دموکرات، با آراء بیشتری مجدداً زمام حکومت را بدست گرفت اما بجای آنکه از این آراء هنگفت که بدست آورد اطمینانش زیاد بشود و قدم در راه حکومت آزاد بردارد تنگ مخالفان را بیست تر و یالهنگ آنان را سخت محکمتر کشیده و همین عمل بر خطر مخالفان افزوده است. تا اندازه ای مخالفان خود مسؤول این شدت عملند. رهبران سیاسی و روزنامه نویسان هواخواه آنان در حملات خویش از جاده اعتدال در گذشته‌اند. بعضی حتی بممد دولت را بضد خویش بر می‌انگیزند تا خود را مظلوم وانمود کنند.

در ترکیه فملی در جدالهای سیاسی طرفین راه افراط رفته اند اما از دموکراسی باین

جوانی به از این امید داشتن غلط است .

مشهورترین ، نه مهمترین ، نمونه خطر مخالفت سیاسی در ترکیه زندانی ساختن یالچین روزنامه نویس کهنه کار است . این مرد که بجرم نقض قانون مطبوعاتی شماره ۶۳۳۴ بزندان افتاده جشن هشتادمین سال تولد خویش را در مجلس منعقد کرد . بنا بگفته دبیر کل حزب خلق گولک ، بموجب همان قانون مطبوعات ، پنج روزنامه نویس دیگر در مجلس و ۲ نفر هم گرفتار معاکمه اند . در ترکیه کسی منکر نیست که بصد فحاشی وهتاکمی باید قوانین متین وضع گردد ، چه مدت‌ها طول دارد که سیاست‌آزان و روزنامه نویسان بیمل بتوانند جلو هواهای نفس را بگیرند و بنا براین برای تخفیف حدت و حرارت آنها ناچار قانون لازم است .

نخست وزیر مدعی است که قانون شماره ۶۳۳۴ که مربوط بتصصیرات مطبوعاتی و رادیویی است اقتباس گونهایست از قوانین کشورهای دموکرات اروپا پس از مطالعه فراوان و قوانین شماره ۶۳۳۴ که از مارس سال جاری بوقع اجرا درآمده شدید تر از قوانین کشورهای اروپا نیست . شاید راست بگوید . اما روزنامه نویسان از دست ابهام قانون بیشتر می نالند تا ظالمانه بودنش . مواد آن آتقدرها صریح و روشن و دقیق نیست تا روزنامه نویس بداند چه بنویسد و چه ننویسد . سابقه ای هم در این باب نداد که بحسب آن عمل کند . سر نوشتش در دست دادستان است که انسان که دلش می خواهد قانون را تفسیر می کند . بر طبق این قانون کیفر مقصر سخت شدید و غلیظ است ... (۱) معاکمه هم سری است .

روزنامه های مخالف گله دارند که انتقاد مؤثر و کاری از دولت ، دیگر ممکن نیست . اگر قانوناً بانتقادات نتوانند ایراد بگیرند و برای نویسنده یا پوشی بسازند کافذ روزنامه و مرکب چاپ را قطع می کنند . تصدیق دادم که در ترکیه عیب جوئی از حکومت بادشوارهای فراوان روبرو میشود اما ادعای مخالفان هم قدری مبالغه آمیز است . بنظر من مخالفان اگر بجای جدالها و مشاجرات شخصی انتقاد را متوجه وجوه مختلف مشی سیاسی دولت میکردند هم مؤثر تر واقع میشد و هم کمتر بهانه تعرض بدست دولت میدادند .

بزندان افتادن روزنامه نویسی عالی قدر چون یالچین بجرم هتاکمی نسبت به نخست وزیر و وزیر امور خارجه بس لنگوار است اما انصافاً بعضی از مقالات او عباراتی بسیار تلخ دارد و بعید بنظر می آید چنین عبارات در مطبوعات انگلیس یافته شود . نمونه ای از عبارات این است :

« مندرس که در کشورهای اجنبی حیثیت ترکیه را بیاد داده و فائحه آزادی و عدالت را درین مملکت خوانده ابتدا باید از ملت معذرت بخواهد سپس از سیاست کناره گیرد . »

یالچین دستنگاه حکومت مندرس را بدستگاه حکومت هیتلر تشبیه می کند و میگوید : « وجود عدنان مندرس ، یعنی کسی که قدرت ندارد چند جمله مربوط یکدیگر بگوید ، برای ترکیه سخت گران تمام شده است . مشاهده اعمال مصر و عانه وزیر خارجه بهیچ وجه در قلوب ملت نسبت باین اشخاص نالایق و بی کفایت که محبت و حیس همدردی ایجاد نکرده است (۱) وزیر خارجه ، که فهم و درایتش از جنس فهم و درایت دیپلماتهای دیمی است (۱) » کمتر کسی در ترکیه منکر میشود که یالچین در انتقاد « بی سوادگی کرده » و از حد معقول یافترتر نهاده و از مقام یک روزنامه نویس حقیقت گوی معتبر تنزل فرموده است . بهانه این احوال گروهی هم میگویند از انصاف دور بود که او را محکوم به ۲۶ ماه زندان و پرداخت

۱ - نقطه‌ها علامت جله های اصلی است که نویسنده حذف کرده است .

جریمه‌ای گران کنند. بعضی هم بیاد می‌آورند که اخیراً نخست‌وزیر خود چگونه در مجلس شوروی بجوثر آمد و هنگام گزارش بنمایندگان چسان کینه خود را نسبت به اینونو، رئیس جمهور سابق و رهبر حزب مخالف کونونی، ترکانند و او را جانی پست خواند.

دیگر اینکه این واعظان غیر متعظ همچنانکه زبان مخالفان را بنام قانون می‌بندند باید جلو زبان خویش را هم بگیرند.

هر چند وضع قانون مطبوعات و اجرای آن در داخل و خارج کشور ترکیه مشاجراتی برپا کرده معذک لطمه آن بر رشد کشور باندازه قوانینی که اخیراً راجع بکارمندان دولت و قضایه و استادان دانشگاه وضع گشته است نخواهد بود. طبق این مقررات دولت در اخراج و مؤاخذه و تنبیه صاحبان این سه فن اختیارات وسیع حاصل کرده است. اثر این قانون بی طرفی و صحت و امانتی که لازمه این سه شغل شریف است از میان می‌برد. باهمه اینها آیا کشوری در عالم وجود دارد که بوصول جمال دلاری دمکراسی پارلمانی رسیده باشد و اینگونه رنجها را تحمل نکرده باشد؟ شاید اگر جتاری و استبداد در کمال آتاتورک نمی‌بود اکنون کشور مستقل ترکیه وجود نمیداشت. هنوز هم ترکیه برای زمامداری «دستی توانا تر» از دست زمامداران کشورهای دموکرات مغرب زمین لازم دارد. باهمه این تفصیلات حتی دوستان خارجی ترکیه معتقدند که مندرس پرکارها را تحت سیطره خویش آورده است و این عمل بجریان امور سکنه وارد میسازد. حتی طاقت و وقت نخست وزیران هم حد دارد.

-۲-

اختلافات بین دو حزب مهم فعلی ترکیه بر سر امور اقتصادی و کارهای داخلی است و گویا در سیاست خارجی کاملاً هم آوازند. باشرکت ترکیه در جمعیت اتلنتیک شمالی، در شورای اروپا، در مجمع همکاری اقتصادی اروپا و غرب را قبله قرار دادن مردم همه موافقتند. در منطقه خاور میانه کشور ترکیه که از جنبه نظامی و سپاه کشی نقطه بسیار مهم است بحق خود را رکن اعلی میداند. بسنت دیرین نسبت بروسیه سخت ظنن است و مذهب اشتراکی همسایه شمالی مزید بر علت گشته است. در هیچ نقطه‌ای از نقاط عالم بجز دول متحده آمریکا میزان دشمنی با اتحاد جماهیر شوروی باندازه ترکیه نیست. پس از جنگ عمومی دوم کمتر مملکتی مانند ترکیه در برابر فشارهای مستقیم مسکو محکم ایستادگی کرده است و بتعبیر تر کها مغالزه هائی که اکنون مسکو با ترکیه می‌کند مزیدی است که ترکیه از مقاومت لاجوانه گذشته خویش میگوید. این مغالزه‌ها بهیچ وجه به تصمیم ترکیه راجع باینکه نیروی نظامی خویش را - تا جائیکه درآمد کشور و کومک خارجی اجازه دهد - بالا ببرد راه فتور نداده است.

ترکیه در برابر هر میلیون از ۲۲ میلیون جمعیت یک لشکر فراهم ساخته و این نسبت در هیچ کشوری از کشورهای عالم رعایت نگشته است. نسبت اعتبار دفاعی هم از سایر اعضای اتلنتیک شمالی بیشتر است. بگفته وزیر خارجه ترکیه امسال از بودجه خود که سه هزار میلیون لیره ترک است چهل درصد آن را خرج امور دفاعی میکند. دول متحده آمریکا هم تقریباً دو برابر این مبلغ بعنوان کومک نظامی باو می‌پردازد. در باب امور خارجی، امروز ترکیه در برابر مسلک اشتراکی خود را علمدار و کارگردان دفاع دسته جمعی خاور میانه قلمداد می‌نماید.

عشق شدید ترکیه بورود در سازمان اتلنتیک شمالی در سالهای اخیر باعث شده که ترکیه تمام هم خود را مصروف کمک نظامی بآن منطقه نماید. بدین جهت دانسته یا ندانسته پشت بخاور

میانہ کرد . اکنون کہ جای پای خویش را در سازمان محکم ساخته بخاور میانہ رو آورده است . ترکیہ سخت کوشیدہ کہ روابط خویش را بآدول عرب بہبود بخشد . بہمین زودیہا نخست وزیر و وزیر خارجہ بعراق و مصر خواهند رفت . منظور از سفر این است کہ برای ورود این دو کشور و سایر دول عرب و پاکستان ، کہ در اوائل سال جاری بیمانی با او منعقد ساختہ ، و ایران بسازمان دفاعی خاور میانہ کہ ترکیہ و انگلیس و دول متحدہ آمریکا و فرانسہ در صدد ایجاد آن هستند مقدمہ چینی کند . یکی از دشواریہائی کہ در جمع آوردن این گروه وجود دارد موضوع تقاربین دول عرب و اسرائیل است . وزرای ترکیہ جدّ خواهند کرد کہ بدولتہای عرب حالی کنند کہ خطر از جانب شمال است نہ از جانب دولت اسرائیل . معلوم است ترکیہ کہ خود را محور بین اروپا و خاور میانہ می داند وظیفہ مهمی در ایجاد چنین اتحادیہ دفاعی دارد و حاضر است کہ این وظیفہ را بعد اعلای قدرت خویش ایفاء کند .

ترکیہ بہمراہی یونان در سازمان دفاعی بالکان ہم سہیم است . بیمانی کہ بین سہ دولت ترکیہ ، یونان و یوگوسلاوی بستہ شدہ چنان تنظیم گشتہ کہ یوگوسلاوی بدون شرکت مستقیم در سازمان دفاعی ائتلیتیک شمالی در آن منطقہ ہم بتواند کمکہائی بکند . امید ترکیہ باین است کہ این دستگاہ دفاعی را با تشکیل جمعی برگردہ مجمع اشتراسیبورگ و یک شورای دائمی تقویت نماید . مدتی است کہ مذاکرات نظامی بین اعضای این بیمان جریان دارد تا طریقہ صحیح برای دفاع مشترک اختیار کنند .

از جنبہ اقتصادی وضع ترکیہ قدری مشکوک و متزلزل است و چنان می نماید کہ چندان تفاوت باکشورہای اروپای شرقی ندارد . فقط یک اختلاف مهم بین آنهاست . پس از جنگ ترکیہ قدمہای وسیعی در راہ توسعہ رشہ های امور انتفاعی برداشتہ و برخلاف کشور های شرقی اروپا تمام کوشش خود را صرف پیشرفت زراعت کردہ اما نتیجہ در آنجا و اینجا یکسان بودہ است بدینمعنی کہ بازار کشور ازلیہ ترکیہ پر شدہ (۱) و از ارز خارجی خالی . تصدیق دارم کہ ترکیہ در امور اقتصادی پیشرفت شایان و بلکہ شگفت انگیز کردہ است . این کشور سابقاً از کشوہای وارد کنندہ گندم بود اما امروز در میان ممالکی کہ پیش از ہمہ گندم صادر میکنند رتبہ چهارم دارد . این ترقی مرہون ماشینہای شخم زنی و پول هنگفتی است کہ در برابر خرید گندم بزادگان دادہ میشود . نتیجہ واقعی این امر اینکہ قیمت گندم ترکیہ در بازارهای خارج ، از نرخ بین المللی بالاتر عرضہ میشود و بنابراین خریدار کم دارد . کشورہائی کہ بموجب قرارداد دو جانبہ باید از ترکیہ گندم بخرند ، در عوض بر قیمت کالاهائی کہ بترکیہ میفرستند می افزایند و مصرف کنندگان کالا را بیہای سنگین باید بخرند .

برای اجرای برنامه توسعہ امور انتفاعی ترکیہ مجبور شدہ است کہ از سرمایہ داران خارجی اعتبارات کلان بگیرد . چون ارز خارجی کم دارد بتعهدات خویش نتوانستہ است وفا کند و بنابراین تہیہ اعتبار مجدد بسیار مشکل است . چنانکہ معلوم میشود ترکیہ نتوانستہ است بدہی خود را کہ در حدود سی میلیون دلار میشود بموقع بطلب کارہای انگلیسی بپردازد . همچنین از عہدہ پرداخت سی میلیون دلار قرض خویش بایتالیا و ۲۳ میلیون دلار باآلمان و ۴۰ میلیون دلار بشرکتہای نفت و قریب ۷۵ میلیون دلار بکشورہای دیگر بر نیامدہ است . سال آیندہ ترکیہ از بابت قیمت وسائل انتفاعی نہ میلیون و در سال ۱۹۵۶ دوازده میلیون و از آن

پس تا سال ۱۹۶۲ دو میلیون و هشتصد هزار دلار باید بانگلیس بپردازد. بدهی او با آلمان غربی کمی بیشتر، بفرانسه همان مقدار و بسه کشور دیگر اروپا خیلی کمتر از اینها است. از این ارقام چنین بر می آید که در اوضاع اقتصادی ترکیه مشکلاتی پدید خواهد آمد.

در اواخر سال ۱۹۵۲ ترکیه مجبور شد که واردات را کم و فقط چیز هائی را که برای توسعه امور انتفاعی لازم است و کالاهای مورد احتیاج مردم را وارد کند. شاید طولی نکشد که ترکیه مجبور شود از وسائل انتفاعی هم نگاهداری اولیای امور این گفته را قبول ندارند و اوضاع اقتصادی را بسیار خوش جلوه میدهند. بعلاوه معتقدند که ترکیه اکنون نزدیک شده که محصول زحمات خود را درو کند. همچنین ادعا میکنند که نود درصد نقشه های اقتصادی انجام شده و صادرات چهار برابر مقدار سال ۱۹۵۰ و واردات دو برابر گشته است. مقام مهم نظامی ترکیه و قدرتی که اکنون در یکی از خطرناکترین منطقه های مورد تعرض بهم زده است بترکیه حق میدهد که از متفقان غربی استمداد کند اما صادرات گران قیمت و عدم استطاعت در پرداخت اقساط بدهی، کار را بر سرمایه داران انگلیسی دشوار ساخته است و نمی توانند کمکی بدهند. تبادل نظر های مفیدی اخیراً بین دو کشور صورت گرفته است.

(کمال الدین اسمعیل اصفهانی)

خرابی شهر سبا

ز کفران نعمت مثل زرد خدای
یکی شهر بودست آراسته
دوستان زیباش از چپ و راست
زهاب وی از کوثر و سلسبیل
ز لایش رحیق و نباتش شکر
گل و سوسن او ز اخلاق نغز
لقب یافته «بلده طیبه»
چو اعراض کردند از شکر حق
که ناگه بدنشان خبث و فساد
دوستانشان شد دوستان بدل
درختش همه خار چشم و جگر
نه در چشمه آب و نه در آب نم
نه در زیر سایه، نه از بر ثمر
بقرآن در از حال شهر سبا
خوش و ایمن از مال و نعمت صلا
پراز گونه گون ساز و برگ و نوا
مریضش نسیم و درستش هوا
نهال وی از سدره المنتهی
بر و میوه او ز بر و عطا
و رب غفور اندرو مقتدی
یکی موش کردست ایزد فرا
بسیل العرم دادشان بر فنا
پر از حنظل تلخ و خار و گیا
نباتش همه تخم جور و جفا
نه بر شاخها گل نه گل را روا
نه بوی وفا و نه رنگ صفا